بسم الله الرحمن الرحیم درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری 5 بهمن 1395.

بحث در مورد این بود که اگر دو تا روایت وارد شده بود اینکه این دو روایت در یک مجلس صادر شده باشند یا اینکه در دو مجلس صادر شده باشند، با هم دیگر فرق دارند یا ندارند؟ خب گفتیم یک صورت آن دو قسم مختلف دارد این مسئله دو صورت دارد. یک صورت این است که ما یقین داریم که در دو مجلس هستند یکی این هست که شک داریم نمی دانیم در دو مجلس هستند یا در یک مجلس هستند. در واقع دو تا فایده عده در این بحث وجود دارد فایده های دیگری هم متصور هست ولی دو فایده عمده ای که ما مطرح می کنیم یکی بحث نحوه جمع بین دو تا دلیل هست جمع عرفی به چه شکل در این روایات پیاده می شود و یک بحث دیگر اخبار علاجیه آیا شامل حال این روایت ها می شود یا نمی شود؟ خب در مورد آن قسم اولش صحبت کردیم جمع عرفی. اما در مورد اخبار علاجیه حالا اینها همه در صورتی هست که ما یقین داشته باشیم به اینکه در دو مجلس صادر شده باشد.

سؤال:

پاسخ: بله مبنای قوم می شود. این در واقع داخل در این حالت شک می شود به این معنا. داخل در بحث وحدت تعدد می شود در واقع. یعنی از آن جهتی که عرض کردم هیچ تفاوت ندارد از آن جهت فرق، ولی در آن مبنا می شود که ما شک داریم که مجلس واحد است یا متعدد.

خب بحث وحدت مجلس و تعدد مجلس البته اجازه دهید من آن را بعدا یک قدری تکمیلش می کنم.

خب بحث سر این بود که یک تفاوتی صورت وحدت مجلس صدور روایات و صورت تعدد مجلس صدور روایات دارد بحث نحوه اجرای قواعد جمع عرفی. یک بحث مسئله اخبار علاجیه. شکش را هم بعد عرض می کنم. هر دو صورتش را شکش را هم بعد عرض می کنم. بحث اخبار علاجیه اینکه آیا شامل حال اینها در صورتی که ما یقین داشته باشیم که اینها دو مجلس هستند اخبار علاجیه می گیرد یا خیر؟ اینجا تفاوت دارد بین اینکه راویانی که این دو تا روایت را نقل کرده اند یکی باشند یا دو تا باشند؟ اگر راویان دو تا باشند چه مجلس واحد باشد و چه مجلس متعدد باشد، اخبار علاجیه آنها را می گیرد. چون یعطی عنکم الخبران متعارضان، شامل این صورت ها هم می شود. ولی اگر راوی واحد باشد. راوی واحد باشد یک موقعی ما یقین داریم که مثلا فرض کنید ابی بصیر از ابی بصیر نقل شده است یک جا مثلا همین مثال اعتق رقبه حالا و یستحب عتق، حالا این مثال را نزنیم. یک جا از ابی بصیر نقل شده است که نماز جمعه واجب است و یک جا از ابی بصیر نقل شده است که واجب نیست. این دو خبری که با هم دیگر متعارض باشند. خب بحث این است که اگر یک راوی واحد مثلا ابو بصیر دو خبر متعارض را نقل کرده است. یک موقعی برای ما مسلم هست که ابو بصیر این دو خبر را نقل کرده است. مسلّم هست که ابو بصیر این دو خبر را نقل کرده است. اینجا یعطی عنکم الخبران متعارضان می آید. ولی جایی که مسلّم نیست. حالا این صورتش را بگویم که روشن تر هست. جایی که اختلاف در این است که روایت ابی بصیر به چه شکل است. یک کسی روایت ابی بصیر را به این شکل نقل می کند و یک شخص دیگر به شکلی دیگر نقل می کند. اینجا اختلاف در کلام معصوم نیست. اختلاف در این است که ابو بصیر چه نقل کرده است. اختلاف در سخن ابی بصیر هست. آن چیزی که ابو بصیر نقل کرده است. بر این خبر صدق نمی کند. یعطی عنکم الخبران متعارضان یعنی جایی که کلام معصوم را دو جور مختلف نقل کرده اند. حالا یک یا دو نفر آن خیلی مهم نیست. ولی جایی که کلام ابی بصیر را افراد مختلف نقل کرده اند، اخبار علاجیه آن را نمی گیرد. حالا ما قائل به تعدی از مرجّحات منصوصه به غیر منصوصه یا طبق قاعده بدانیم

سؤال:

پاسخ: به دلیل اینکه خبر صدق نمی کند. ما یحکی قول المعصوم است. اینها قول معصوم را حکایت نمی کنند قول ابی بصیر را حکایت می کنند با واسطه قول معصوم را حکایت می کنند. آن چیزی که مستقیما تعارض دارد ببینید یک موقعی یکی از اینها می گوید که ابو بصیر این جوری نقل می کرد. ابو بصیر می گفت که امام علیه السلام وجوب نماز جمعه را فرموده اند. یکی دیگر نه ابو بصیر شکل دیگر را نقل می کرد. تعارض در این است که ابو بصیر چه گفته است.

سؤال: نه حاج آقا قرار شد دو مجلس باشد

پاسخ: نه، منهای بحث آن. یعنی در مرتبه قبل از آن اینکه ما یقین داریم که ابو بصیر یکی از اینها را بیشتر نگفته است. این را در نظر بگیرید. ما یقین داریم که ابو بصیر فقط یکی از اینها را نقل کرده است. خب یکی از اینها را بحث این است که آن که ابو بصیر نقل کرده است به این شکل است یا به این شکل است؟

سؤال:

پاسخ: یعطی عنکم الخبران متعارضان. این شاملش آن نیست. عنکم الخبران متعارضان ظهور دارد در خبر مستقیم. خبر با واسطه باید به خبر مستقیم برسد تا داخل در یعطی عنکم الخبران متعارضان باشد. حالا این را توضیح می دهم اجازه بدهید.

سؤال: احرازش سخت است

پاسخ: یکی از نمونه هایش را بگویم ساده اش را بگویم. جایی که اختلاف نسخه وجود دارد. جایی که اختلاف نسخه وجود دارد اختلاف نسخه داخل در بحث اخبار علاجیه نیست. کافی در مورد خبر ابی بصیر مختلف نقل شده است. یک جا این شکلی نقل شده است و یک جا آن شکلی نقل شده است. همین روایت واحد را. بحث اخبار علاجیه دیگر اینجا نمی آید. در اختلاف نسخه بحث اخبار علاجیه اینجا نمی آید. این را داشته باشید اینها در بحث های آینده ما خیلی مؤثر است.

سؤال: بر این بعدا بحث می کنیم که

پاسخ: یعطی عنکم الخبران متعارضان ظهور در این دارد دیگر. یعنی عنکم الخبران متعارضان.

سؤال:

پاسخ: عنکم نیست. یعنی در واقع هر کدام از اینها از قبلی است. آن قبلی هم از قبلی است و این در واقع من قول معصوم را نقل نکردم. من قول زراره را نقل کردم. زراره قول معصوم را نقل کرد است. حالا اینها یک نکاتی دارد که بعد عرض می کنم.

سؤال:

پاسخ: در مورد اخبار علاجیه اگر وحدت مجلس هم داشته باشیم، اخبار علاجیه را شامل می شود. مباشرت هم که باشد. زراره می گوید که امام علیه السلام اینگونه فرمود و ابو بصیر می گوید که اینگونه فرمود. هر دو هم یک حادثه است. اخبار علاجیه این را می گیرد. خبران متعارضان صدق می کند. لازم نیست که

راوی واحد هم اگر از یک مجلس حکایت کند در دو بار. یک بار گفته است که این مجلس اینگونه بود و یکبار گفته است که اینگونه بود. صدق می کند. بحث سر این است که از راوی واحد دو نفر نقل کرده اند که ما می دانیم که این راوی یکی از این دو تا را بیشتر نقل نکرده است. اختلاف در این است که آیا ابو بصیر روایت را به این شکل نقل کرده است یا به آن شکل نقل کرده است. اختلاف نسخه را شما در نظر بگیرید. اختلاف نسخه اختلاف در چیست؟ این ناسخ می گوید که روایت ابی بصیر به این شکل است و آن ناسخ می گوید که به این شکل است. ما می دانیم که نسخه کافی نسخه اصلی که کلینی دارد یکی از اینها بیشتر نیست. پس بحث اختلاف نسخه، اخبار علاجیه در موردش نمی آید. فرق است بین بحث اختلاف نسخه و بحث اخبار علاجیه. جایی که شک می کنیم که آیا، مورد شکش را بعدا صحبت می کنیم. بنابراین بحث این است که در بحث اخبار علاجیه که پیش می آید، اینجا بحث اینکه راوی واحد باشد یا متعدد باشد اینجا اثر گذار است. در بحث قبلی در اکثر فروضش وحدت راوی و تعدد راوی آن جوری تأثیر نداشت. شاید در پنجمی اش هم اون هم شاید. ما خیلی به صورت جزم نمی گفتیم. احتمالا در صورت پنجمش ممکن بود بین وحدت راوی و تعدد راوی ما فرق بگذاریم. ولی در این بحث خب این اثر گذار هست. حالا صورت شکش را بعد عرض می کنم.

سؤال: اگر زراره و ابو بصیر یک روایت را از امام به دو صورت نقل کنند .... چطور می تواند مرجّح باشد؟ موافقت عامه می خواست اصالت جد را زیر سؤال ببرد و....

پاسخ: اخبار علاجیه حالا گفتید خوب شد این را اشاره کنم که مرجّحات فرق دارد. بعضی مرجّحات به صدور ربط دارد و بعضی مرجّحات به بحث جهت صدور و دلالت و آن بحث های دلالت مضمون و امثال اینها. این مرجّحی که در اینجا می آید مرجّحات صدوریه می آید نه سایر مرجّحات. سایر مرجّحات آن جایی هست که چیز باشد.

سؤال:

پاسخ: نه. بحث این است که آنها نکاتش مختلف است. یعنی یک نکته جای هست که شک در صدور داریم و یک نکته این است که بعد از قطع به صدور ولو تعبّدا،

سؤال:

پاسخ: نکاتش متفاوت است این جور نیست که همه باید چیز باشد. یعنی به تعبیر دیگر ولو آن روایت ذاتا هم این شکلی باشد بعضی از صورت هایش را با توجه به نکته عقلایی که چیز دارد می شود القای خصوصیت کرد. این اجمالی از این صورت. حالا می گویم صورت شک آن را بعد دوباره بر می گردیم در موردش صحبت می کنیم.

اما در مورد بحث جمع عرفی در جایی که شک داریم که آیا مجلس واحد هست یا مجلس متعدد هست. مثلا اعتق رقبهً، صورت پنجمی که مثال زدیم و یستحب عتق الرقبه، نمی دانیم که اینها در یک مجلس صادر شده اند یا در دو مجلس صادر شده اند. این را شک داریم. من قبل از اینکه این بحث را طرح کنم اجازه بدهیدکه اشاره به یک بحثی کنم، در بحث جمع عرفی یک سؤالی مطرح هست مثلا همین دو روایت اگر این دو روایت قطعی باشند، جمع عرفی اش مشکلی ندارد. اگر دو تا روایت ظنّی باشند و با ادلّه حجّیّت سند ما اثبات این دو تا روایت را کرده باشیم. یک بحث این است که به هر حال جمع عرفی یک نوع مخالفت ظاهری در آن مرتکب می شویم. به هر حال در جمع عرفی ظهور بدوی روایت به یک ظهور جدید تبدیل می شود. یعنی ما آن ظهور روایت را اخذ نمی کنیم و یک چیز دیگر را به روایت نسبت می دهیم و اخذ می کنیم. بحث این است که به چه دلیل ما سند دو تا روایت را قطعی فرض می کنیم؟ یعنی شمول ادله حجّیت سند را قطعی می گیریم ادله حجّیت ظهور را در یکی از اینها یا در هر دو تصرف می کنیم. چون بالأخره جمع عرفی یا تصرف در یک دلیل است مثل همین مثال اعتق رقبه و یستحب عتق الرقبه یا در هر دو دلیل تصرف می شود. مثلا اعتق رقبه و صوم ستین مسکینا در هر دو دلیل تصرف می شد. به هر حال یک نوع تصرّف در ظهور اینجا وجود دارد. چرا ما سند را قطعی می گیریم در ظهور تصرف می کنیم؟ نکته اش چیست؟ یک بحث سختی است حالا من نمی خواهم وارد ریزه کاری های این بحث شوم. ولی یکی دو تا نکته کلی آن مبناها در تعادل تراجیح مفصّل در مورد این بحث کردیم یکی دو تا نکته کلی اش را عرض می کنم بعد می خواهم تطبیق کنم. ما می گفتیم که بین سند و دلالت ذاتا فرقی نیست. اینکه تصرف در سند شود یا در دلالت. ولی در سند نوعا احتمال عدم صدور یکی از دو تا خبر، و در واقع اشتباه راوی از عدم صدور، این احتمال از احتمال آن احتمالی که در جمع عرفی هست ضعیف تر است. در جمع عرفی، خیلی وقت ها جمع عرفی ها بازگشت به یک سری نکاتی می کند که آن نکات ولو ذاتا خلاف اصل است ولی یک خلاف اصلی هست که خیلی زود عرف به آن پایبند می شود. مثلا فرض کنید اعتق رقبه و یستحب عتق الرقبه، اینکه اعتق ظهور در وجوب دارد به خاطر این است که این دلیل ناظر به حکم فقهی است. امر در یک حکم فقهی، ظاهر در وجوب هست. ولی اگر حکم اخلاقی را بخواهد بیان کند، امر در جایی که حکم اخلاقی را بیان می کند ظاهر در وجوب فقهی نیست. وجوب اخلاقی است یعنی برای کمال انسان این شرط است. شرط کمال وجوب اخلاقی است. اینکه ما امر را ظاهر در وجوب می گیریم، به قرینه فضای روایت هست که این روایت در فضای بیان حکم فقهی صادر شده است. خیلی وقت ها به قرینه یستحب عتق الرقبه ما از اینکه این روایت در فضای حکم فقهی صادر شده است رفع ید می کنیم می گوییم که در حکم اخلاقی صادر شده است. در واقع یک قرینه حالیه محفوف کلام بوده است که این حکم اخلاقی را می خواسته است بیان کند. این قرینه حالیه به ما منتقل نشده است. شهید صدر در بعضی جاها می گوید که عدم انتقال قرائن حالیه این چنینی خلاف اصل نیست و امثال اینها ما آن را قبول نداریم که عدم انتقال قرائن حالیه خلاف اصل نیست. خلاف اصل است ولی در جایی که قرینه وجود داشته باشد یک خلاف اصلی است که خیلی دور از آبادی نیست. خیلی دور از ذهن نیست. به خلاف اینکه یک راوی ثقه ضابط اگر عدالت را هم شرط بدانیم در حجّیت خبر، راوی ثقه عادل ضابط، اشتباه کرده باشد اصلا یک روایت را نبوده است و نقل کرده باشد یا تعمّد کذب داشته باشد. اینها خیلی بعید است. یعنی به طور متعارف، آن خلاف ظاهری که در جمع عرفی هست، کمتر از خلاف ظاهری است که نسبت به سند وجود دارد. روی همین جهت نوعا جمع عرفی مقدم بر سند هست. رو همین جهت ما در بحث جمع عرفی می گفتیم که جمع عرفی فقط در جایی صحیح است که میزان مخالفت ظاهر این جمع عرفی از میزان مخالفت ظاهر در مورد آن سند کمتر باشد. این جمع عرفی به این شکل باید، طبق قاعده عقلایی این جور هست. البته یک موقعی من این را با حاج آقا صحبت می کردم حاج آقا می فرمودند که مطلب همین جور است که تو می گویی اگر دلیل حجیّت خبر ثقه بنا عقلا و اینها باشد. ولی اگر ما به تعبد قائل باشیم در حجّیت خبر ثقه، مسئله فرق می کند. دیگر آن موقع فرصت نشد که من از ایشان بپرسم که فرق می کند به چه شکل است و اینها است خودم این جور به ذهنم می رسد که فرق است بین جایی که ما حجیت خبر ثقه را برایش طریقیت قائل شویم یا موضوعیت. اگر طریقیت قائل شویم مثل همان بنا عقلا است هیچ فرقی نمی کند دقیقا همین بحث هایی که برایش گفتیم طریقیت محضه اگر داشته باشد همین بحث ها است. ولی اگر موضوعیت داشته باشد مثلا فرض کنید شارع مقدس گفته است که خبر ثقه عادل معتبر است و فقط بحث سر این نیست که می خواهد به واقع برسد می خواهد عدالت هم در جامعه ترویج پیدا کند. عادل محترم باشد یک سری جنبه های موضوعی و امثال اینها دخالت داشته باشد. اگر آن باشد اطلاق ادلّه ای که می گوید که خبر ثقه حجّت است منصرف به آن بناء عقلا و نحوه بناء عقلا نیست. یک حکم تعبدی خاص است. وقتی حکم تعبدی خاص بود ممکن است ما بگوییم دلیلی که می گوید بگو خبر ثقه صادر شده است، در واقع این است بگو اگر یقین داشتی چه کار می کردی الآن هم همان رفتار را بکن. در واقع به تعبیر دیگر ادله حجّیّت خبر ثقه تعبّد به جمع عرفی است. در واقع می گوید اگر یقین داشتی چه کار می کردی الآن هم همین جور رفتار کن. من فکر می کنم که این جوری باید گفت اگر قائل به موضوعیت شویم. اگر طریقیت باشد طریقیت ناظر به همان بناء عقلا و حکم عقلا و حکم عقلا جنبه طریقیت همان بحث هایی که عرض کردم هر کدام طریقیتش اقوی هست باید اخذ کرد جایی که طریقیت اقوی نداشته باشد نمی شود خبر ثقه را معتبر دانست.

سؤال:

پاسخ: آهان نتیجه اش این می شود که در واقع تعبّد به جمع عرفی است. اعتق رقبه و یستحب عتق الرقبه در واقع

سؤال:

پاسخ: آن یک نکته ای است من به آن پرداخته ام یک ان قلت و قلتی است که نمی خواهم وارد بحث آن بشوم که ادلّه حجّیّت ظهور مثل ادله حجّیت سند نیست. ادله حجیت سند تعبد به جمع عرفی است دون العکس. آن حالا تفسیرش بحث اصول ما هست نمی خواهم وارد تمام ریزه کاری های این بحث بشوم. می خوام تصویر اولیه را در همان حدی که هست ارائه بدهم می خواهم ببینم، ببینید اینجا ما در واقع می خواهیم ببینیم آیا آن نکاتی که آنجا گفتیم که باعث می شد که جمع عرفی بر بحث های سندی مقدّم باشد، آیا آن نکات در اینجا هم می آید یا نمی آید؟ این مقدمه بر این بحث است. یعنی ما در واقع ی جمع عرفی باید مخالفت ظاهرش از مخالفت ظاهر در التزام به عدم صدور احد الخبرین کمتر باشد یا دلیل صدور دلیل موضوعی باشد جنبه موضوعیت در آن دخالت داشته باشد یکی از این دو نکته اگر باشد اینجا بحث ها به این شکل بود که عرض کردیم. این را داشته باشید می خواهم تطبیق کنم به این مورد.

سؤال:

پاسخ: دیگر بحث اینجا این نیست که شما نگاه کنید ببینید کدام حجت اقوی است. یعنی ولو اعتق رقبه و یستحب عتق الرقبه

شما کلا باید جمع عرفی کنید. حکم قبلی این بود که به شرطی که میزان مخالفت ظاهر جمع عرفی کمتر بود جمع عرفی مقدم بود ولی اینجا نه، شارع خودش گفته است که شما جمع عرفی کن. چون بحث این است که به خاطر طریقیت نیست که بگویید این طریقیت با آن طریقیت چه فرقی دارد. شارع می خواهد اطلاق دلیل تعبّد اقتضا می کند شما اگر اینها را یقین داشتید چه کار می کردید؟ جمع عرفی می کردید حالا هم جمع عرفی کن.

این کبری مطلب را داشته باشید حالا تفصیل این کبری در تعادل تراجیح مفصل بحث کرده ایم ان قلت و قلت هایی دارد و نمی خواهم وارد آن بحث هایش بشوم. حالا با این تصویری که اینجا وجود دارد می خواهیم ببینیم که اینجا بحث را چگونه باید مشی کنیم. ببینید مثلا در اعتق رقبه حالا یکی یکی این مثال ها را بر می گردیم در اعتق رقبه و اعتق رقبه مؤمنه، امر دایر بین چیست؟ گفتیم اگر این خبر ها در دو مجلس صادر شده باشند، ما حمل مطلق بر مقید می کنیم. به اینکه می گوییم در مطلق مثلا متکلم در مقام بیان نبوده است مثلا طبق مبنای معروف آقایان یا ولو در مقام بیان بوده است مصلحتی بوده است برای اینکه قید را واگذار کرده است به قرینه منفصل بیان کرده است یا آن جوری که ما مشی می کردیم می گفتیم که از اعتق رقبه مؤمنه حالا بگذارید آن چیز خودمان را بعدا پیاده کنیم. خب روی مبنای معمول اقایان می گویند که کشف می شود که متکلم در مطلق در مقام بیان نبوده است یا ولو در مقام بیان بوده است این قید را بیان نکرده است به خاطر مصلحتی که داشته است به صورت منفصل این قید را بیان کرده است. اگر اینها متصل باشد چه؟ اگر متصل باشد گفتیم بحث سر این است که آن بحث زیاده الثقه که آیا اینجا شهادت سلبیه داریم، شهادت ایجابیه داریم امثال اینها. مثلا نحوه جمع بین شهادت سلبیه و ایجابیه در اصلا صغرویا آیا ما به قرینه آن شهادت ایجابیه، آن شهادت سلبیه را به عدم الشهاده بر می گردانیم این یک بیان و یک بیان دیگر این بود که نه، آن شهادت ایجابیه طریقیتش نسبت به واقع از آن شهادت سلبیه قوی تر هست و امثال اینها. این بحث ها متفاوت هست با آن بحثی که ما در آنجا مطرح می کردیم. چون دیگر ادله حجّیت یعنی در واقع اینکه ما بگوییم که اینکه متکلّم اشتباه کرده باشد در اصل صدور خبر، این خیلی بعید است، اینجا نمی آید. اینجا متکلم اگر اشتباه کرده باشد در اصل صدور خبر اشتباه نکرده است. متکلم در آن یک قید خاص اشتباه کرده است. بحث را باید به این شکل مطرح کرد که آیا اولا معمولا به دو شکل ما بحث را طرح می کردیم دیگر. یا کسی که اعتق رقبه را نقل می کند شهادت سلبیه دارد به اینکه قید مؤمنه در کلام امام علیه السلام نبود. این شهادت سلبیه را که می خواهیم از آن رفع ید کنیم، یا مصداقا یا حکما چقدر قوت دارد؟ قوّت شهادت سلبیه را باید بسنجیم و این شهادت سلبیه بحثش فرق دارد با اصل صدور. در اصل صدور ممکن است بگوییم خیلی نادر هست که یک شخص ثقه عدل ضابط یک خبری که نیست همین جوری به ذهنش برسد و خبر را نقل کند. ولی اینکه یک نفری در تحمّل جزئیات روایت، اشتباه کرده باشد. در اصل تحمّل با تحمّل جزئیات فرق دارد. اصل اینکه اصلا روایتی صادر نشده است و همین جوری خیال کرده است که صادر شده است و روایت را آورده باشد آن خیلی بعید است. ولی در اینکه بعضی از جزئیات را اشتباه کرده است درست آن را چیز نکرده است تحمل نکرده است. این فرق دارد با آن. نمی شود اینها را با هم دیگر مقایسه کرد. و اصل اینکه این مثلا شهادت سلبیه می دهد، اینکه ما بگوییم اینجا مثلا شهادت سلبیه نمی دهد. آیا اینجا باید بگوییم که اینجا شهادت سلبیه نمی دهد؟ ممکن است بگوییم نه، یعنی نکته عرض من این است که مقایسه ای که اینجا هست ببینید در جایی که ما یقین داریم که اعتق رقبه و اعتق رقبه مؤمنه در دو مجلس صادر شده است یقین در صدور دو مجلس داریم، و خبرینش ظنّی است. امر دایر به این است که اعتق رقبه را آن کسی که نقل کرده است یا اعتق رقبه مؤمنه یکی از این دو تا در اصل خبر اشتباه کرده باشند. ما می گوییم اشتباه در اصل صدور خبر خیلی کم است. بنابراین باید بگوییم صادر شده است جمع عرفی کنیم. احتمال عدم صدور خیلی بعید است. ولی اینجا یعنی در جایی که ما شک داریم که آیا در یک مجلس صادر شده است یا نشده باشد، یک احتمالش جمع عرفی است. این جمع عرفی اگر متعدد باشد جمع عرفی است. اگر مجلس واحد باشد چه شده است یک اشتباهی راوی اعتق رقبه کرده است. حالا ما داریم جمع عرفی که می خواهیم بکنیم فرض این است که اعتق رقبه یا اعتق رقبه مؤمنه طبق این مبنا که ما بگوییم در اینجا ما اعتق رقبه مؤمنه را مقدم بداریم. یا باید بگوییم که آن شهادت سلبیه معتبر نیست یا باید بگوییم اصلا شهادت سلبیه نمی دهد. اینجا بحث این است که این احتمال که اشخاص شهادت سلبیه نمی دهند، این احتمال را مقایسه کنید مواردی که اشخاص یک عبارتی را از دیگران آورده اند ولی خصوصیاتش را ذکر نکرده اند.

سؤال:

پاسخ: ترجیح در واقع بین دو تا بحث سر هر دو مربوط به خصوصیات روایت هست. آنجا هم شهادت بود ولی آن شهادت در اصل روایت است این شهادت در جزئیات روایت است. ما بحث این بود کسی که شهادت به اصل روایت می دهد احتمال خطای آن خیلی بعید است. احتمال اینکه اصلا شهادت نداده باشد که آن اصلا نمی رود. اینجا احتمال دارد شما بگویید کسی که یک قضیه را نقل می کند خیلی وقت ها فقط به جنبه های اثباتی آن کار دارد و جنبه های نفیی آن را کاری ندارد. مثلا به خصوص در جاهایی که آن قید از قرائن حافّه کلام و قرائن لبّیه استفاده شده باشد. اینها اصلا شهادت سلبیه ندارد اصلا مثلا. یا اینکه بگوییم نه، شهادت سلبیه اینجا هست ولی شهادت سلبیه معتبر نیست. شهادت ایجابیه طریقیتش نسبت به و اقع از شهادت سلبیه ضعیف تر است. بنابراین مثلا شهادت سلبیه را باید کنار گذاشت بحث این است

سؤال:

پاسخ: نه یک راوی و دو راوی اینجا فرقی نیست.

بحث سر این است که احتمال مخالفت ظاهری که در آن جمع عرفی هست قوی تر است یا احتمال اشتباه راوی مثلا در جزئیات؟ اینها ممکن است بگوییم که با هم دیگر مساوی هستند این جور نیست که مساوی نباشند. بنابراین نمی شود این دو را این جوری به راحتی با هم دیگر مقایسه کرد. بنابراین فرق دارد این بحث آن بحثی که آنجا هست نمی آید. همچنین

سؤال:

پاسخ: نه شک داریم. میگوییم اگر متعدد باشند، جمع عرفی است. اگر واحد باشند بحث شهادت سلبیه و ایجابیه است. بحث این است که این دو احتمالی که اینجا هست، کدام یک از این احتمالات را باید ملتزم شویم؟ هر کدام از اینها ذاتا طریقیت داشت. یعنی فرض ما این است که اگر ما یقین داشتیم که اینها واحد است، روایت اعتق رقبه مؤمنه را اخذ می کردیم مثلا. اگر متعدد بود باز هم روایت اعتق رقبه مؤمنه را اخذ می کردیم ولی به یک نکته دیگری. به نکته جمع عرفی.

سؤال:

پاسخ: فرض این است که اگر اینها دو تا باشند جمع عرفی می کنیم.

سؤال:

پاسخ: دوران امر این است که این دو تا در یک مجلس صادر شده اند یا دو مجلس. اگر در دو مجلس صادر شده باشند این جمع عرفی می کنیم. فرض این است که اگر متعدد باشد جمع عرفی می کنیم. اگر واحد باشد جمع عرفی به آن شکل نمی کنیم. بحث شهادت سلبیه و ایجابیه. بحث این است که طریقیت شهادت سلبیه قوی تر است یا طریقیت اصاله الظهور. دوران امر بین این دو تا است.

سؤال:

پاسخ: نه حالا آن بحث صغروی اش یک بحث دیگر است. فرض این است که ایا قرینه ای بر وحدت و تعدد اماره ای بر آنها هست. یک نکته ای است که توضیح دارد. حالا وقت گذشت. آن بحث نقل به معنا هم می آید. در یکی از صور ما امر دائر بین نقل به معنا و چیز بود. یکی یکی این صور را تأمل فرمایید من اصل صورت مسئله را گفتیم که دوستان تأمل فرمایند. اینها بحث هایی هست که نشده است ما هم داریم همین جا فعلا فکر می کنیم و عرض می کنیم!

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد